

بررسی تطبیقی ارزش‌های اخلاقی در روایت‌های رضوی و اشعار ابی‌العتاهیه

فرشته صفاری*

چکیده

در سیره تربیتی امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه السلام اشاره‌هایی لطیف و متفکرانه درباره مؤلفه‌های اخلاقی انسان کامل می‌توان یافت که نشان‌دهنده ژرف‌نگری و ثبات اندیشه‌های الهی امام است و جامعه اسلامی باید همچنان نسبت به فراگیری آن عطشناک و آزمند باشد. بنابراین، این روایت‌های پربار یکی از منابع غنی در پرورش نسل اسلامی است. در شعرهای ابی‌العتاهیه، شاعر عهد عباسی، نیز شعرهایی با محتوای اخلاقی می‌بینیم که علاوه بر بازتاب موقعیت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه، تداعی‌گر معانی آیات قرآن کریم و انعکاس‌دهنده اندیشه‌های ناب و کلام ائمه معصوم علیهم السلام هستند. هدف این پژوهش تطبیقی که با روش تحلیلی توصیفی انجام شد، بررسی رویکردهای

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی از دانشگاه حکیم سبزواری.

fe_saffari@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۷



اخلاقی انسان کامل در پرتو سخنان گوهر بار رضوی و اشعار شاعر زهد و حکمت، ابی‌العتاهیه بود.

واژگان کلیدی

تطبیق، ارزش‌های اخلاقی، سیره رضوی، اشعار، ابی‌العتاهیه.

طرح مسئله

هدف از آفرینش انسان ارتقای بُعد روحانی اوست، اینکه از راه درست منحرف و اسیر شهوت‌های حیوانی نشود. بخش وسیعی از آموزه‌های اخلاقی در قرآن کریم و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام ناظر بر این حقیقت است که خداوند در هیچ زمینه‌ای انسان را سرگردان و به حال خود وانگذاشته است. ارزش‌های اخلاقی صرف‌نظر از جنبه مذهبی از ضروریات زندگی هر جامعه متعالی و مترقی است. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره اخلاق فرمود: «الْأَخْلَاقُ مَنَائِحٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...»؛ اخلاق بخشش‌هایی از خداوند بزرگ است (علامه مجلسی، ج ۷۱، ۱۴۰۴: ۳۹۴). در سیره هشتمین اختر تابناک امامت و ولایت، حضرت علی‌ابن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام برنامه‌های آموزشی و تربیتی جامعه اسلامی در قالب احادیث و سیره عملی آن حضرت فراروی شیعیان قرار دارد و این سخنان ناب و گران‌سنگ در ادبیات نیز کاربردهای گسترده‌ای یافته است.

شاعر عباسی، ابی‌العتاهیه، نیز بیشتر به دلیل شعرهای زهدآمیز شهرت یافته است. درباره دین و آیین وی نیز، نظرهای گوناگونی وجود دارد که باعث تردید در شیعه‌بودن او می‌شود. در شعر ابی‌العتاهیه با محتوایی روبه‌رو

می‌شویم که ارتباط نزدیکی با سخنان حضرت رضا علیه السلام دارد. گرچه در ظاهر به نظر نمی‌رسد که تأثیرپذیری خاصی صورت گرفته باشد، محتوای کلام شاعر نشان می‌دهد که در بیان آموزه‌های حکمت‌آمیز تلاش فراوانی کرده است. دربارهٔ ابو العتاهیه و شعرهای زاهدانهٔ او باورهای گوناگونی وجود دارد:

اشعار ابو العتاهیه، به‌خصوص «زهدیات» او روان و مطبوع است و به‌علت روانی و جنبهٔ اخلاقی و زهدی که دارد، بر زبان‌ها جاری است. برخی از معاصران او را متظاهر به زهد و نه زاهد واقعی پنداشته و در واقعی بودن زهد او شک کرده‌اند (کرمانی، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

ضرورت انجام این پژوهش بازخوانی و یادآوری مؤلفه‌های اخلاقی تأییدشده در روایت‌های رضوی و درضمن آن بیان برخی الگوهای رفتاری بخردانه در شعرهای شاعر حکیم عصر عباسی، ابی‌عتاهیه است. مهم‌ترین پرسشی که در این پژوهش در صدد پاسخ به آن هستیم، این است: «شاخصه‌های بسیار مهم اخلاقی که در روایت‌های امام رضا علیه السلام و شعرهای ابی‌عتاهیه به آن اشاره شده است، کدام‌اند؟» در ادامهٔ بحث به مؤلفه‌های مهم اخلاق اسلامی در سه بخش اخلاق الهی و اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی با ذکر روایت‌هایی از علی‌ابن موسی الرضا علیه السلام و شعرهایی از ابی‌عتاهیه اشاره می‌کنیم.

اخلاق الهی

منظور از اخلاق الهی، همان تکالیفی است که انسان نسبت به خداوند دارد و باید در راه انجام آن کوشا باشد و این همان چیزی است که از آن به «حق الله» تعبیر می‌شود.

تسلیم شدن در برابر تقدیر خداوند

امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام در حدیثی شریف فرمودند:

«إِنَّ الْعِبَادَةَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا فَتِسْعَةُ وَ سِتُونَ مِنْهَا فِي الرِّضَا وَ التَّسْلِيمِ لِلَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ وَ لِرَسُولِهِ وَ لَا وَكَيْ الْأَمْرِ»؛ عبادت وجه دارد که ۶۹ وجه آن در
رضایت و تسلیم در برابر خداوند بلندمرتبه و فرستاده او و صاحبان امر است
(علامه مجلسی، ج ۲، ۱۴۰۴: ۲۱۲).

شاعر عرب زبان نیز در سخنانی حکیمانه به این اصل تأکید کرده و این گونه
سراییده است:

فَطُوبَى لِمَنْ لَمْ يَقْضِ أَمْرٌ قَضَى لَهُ بِهِ اللَّهُ، إِلَّا سُرُّهُ وَ رَضِيَهُ

(ابی العتاهیه، ۱۹۸۶: ۴۶۷)

خوش به حال آن کس که امری از سوی خداوند بر او نگذشت، مگر اینکه از
آن شاد و به آن راضی بود.

امام رضا علیه السلام عبادت را دارای هفتاد بخش می دانند که شصت و نه بخش آن
در رضایت به تقدیر الهی است. ابی العتاهیه نیز به حال چنین انسان هایی که از
هیچ چیز ناخشنود نمی شوند، غبطه می خورد. *طاقات فرهنگی*

پرتال جامع علوم انسانی

توکل به خدا

اصل توکل به خداوند را امام علیه السلام این گونه تفسیر می کنند: «أَنْ لَا تَخَافَ أَحَدًا
إِلَّا اللَّهَ»؛ این که از کسی ترسی، مگر از خدا (الحرانی، ۱۴۲۳: ۳۲۷). ابی العتاهیه
نیز اعتقاد دارد که زمام همه کارها در دست خداوند است و بیم و امید لازمه
توکل به اوست.

لَيْسَ مَعَ اللَّهِ خَائِفًا أَحَدًا، حَسْبِي بِهِ عَاصِمًا مِنَ الْبَشَرِ

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۱۶۶)

با وجود خداوند از کسی نمی‌هراسم. او برای من کافی است و نیازی به مردم ندارم. انسانی که بر خدا توکل می‌کند از هیچ قدرتی واهمه ندارد و به هیچ پناهگاهی، جز خداوند تکیه نمی‌کند و این همان اصلی است که در حدیث و شعر به آن پرداخته شده است.

خوش گمانی به خدا

انسانی که در ایمان خود صادق باشد، نباید در هیچ حالی به خداوند بدگمان شود. امام رضا علیه السلام فرمودند:

«أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ مَنْ حَسَّنَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ»؛ به خداوند

خوش‌بین باش؛ زیرا هرکس به خدا خوش‌بین باشد، خدا با گمان خوش او همراه است (علامه مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۰۴: ۳۴۳).

ابی‌العتاهیه هم خوش‌بینی را مصادف با بی‌نیازی می‌داند و می‌گوید:

و الغنى أن تُحسِّنَ الظنَّ في الهـ و ترضى بكل أمرٍ يكون

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۴۲۳)

بی‌نیازی آن است که به خداوند گمان نیک داشته باشی و به هر آنچه روی می‌دهد، راضی باشی.

امام رئوف در حدیثی دیگر می‌فرماید:

«أَحْسِنِ بِاللَّهِ الظَّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي، إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَ

إِنْ شَرًّا فَشَرٌّ»؛ به پروردگارت گمان نیکو داشته باش؛ زیرا خداوند متعال

می‌فرماید، من دربارهٔ بنده‌ام چنان خواهم کرد که او می‌پندارد؛ اگر خوب

تصور کند خوب و اگر بد اندیشد، بد (علامه مجلسی، ج ۷۰، ۱۴۰۴: ۳۸۵).

وَ مَا كَلَّ ذِي ظَنٍّ يَصِيبُ بَظْنِهِ وَ قَدْ يَسْتَرَابُ الظَّنُّ، وَ هُوَ يَقِينٌ

(ابی العتاهیه، ۱۹۸۶: ۴۲۸)

هر صاحب گمانی به گمان خویش دچار می شود و گاهی به گمان شک می شود؛ درحالی که آن همان یقین است.

در حدیث امام و در شعر شاعر عهد عباسی به نزدیکی گمان و یقین اشاره شده است؛ از همین روی، از همگان خواسته شده است به خداوند خوش گمان باشند؛ چراکه خداوند بی نیازکننده مطلق است و از گمان بندگان خویش آگاه است.

ضرورت توبه

امام هشتم علیه السلام در حدیثی گران قدر، به اهمیت توبه می پردازند و این گونه می فرمایند: «الْتَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»؛ کسی که توبه کند؛ مانند کسی است که گناه نکرده است (صدوق، ج ۲، ۱۳۷۸: ۷۹).

فَتَّبِ مَنْ ذُنُوبٍ مَوْبِقَاتٍ جَنَّتْهَا فَمَا أَنْتَ فِي دُنْيَاكَ هَذِي مُخَلَّدٌ

(ابی العتاهیه، ۱۹۸۶: ۱۵۳)

از گناهانی که مرتکب آن شدی برگردد و توبه کن که تو در این دنیا جاودان نخواهی بود.

در حدیث امام به توبه تشویق شده و شخص توبه کننده همانند کسی است که هرگز گناه نکرده است. در شعر ابی العتاهیه نیز کوتاه بودن زندگی آدمی، ضرورت انجام توبه را به اثبات می رساند.

اخلاق فردی

اخلاق فردی وظایفی است که آدمی نسبت به نفس خویش دارد و از آن با عنوان «حق النفس» یاد می‌شود. در ادامه فقط به ذکر چند نمونه از آن می‌پردازیم:

خودشناسی

انسان خداجو در همه احوال باید برای شناخت خویش تلاش کند و امام رضا علیه السلام در این زمینه فرمودند: «أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ»؛ بالاترین درجه عقل خودشناسی است (علامه مجلسی، ج ۷۸، ۳۵۵: ۱۴۰۴).

ابی‌الغناهیة نیز در بیتی می‌گوید:

فَلْيَنْظُرِ الرَّجُلُ اللَّيْبُ لِنَفْسِهِ
فَجَمِيعُ مَا هُوَ كَائِنٌ لَا بَدَّ آث

(ابی‌الغناهیة، ۱۹۸۶: ۷۴)

انسان خردمند باید به نفس خود بنگرد؛ پس همه آنچه موجود است، روزی خواهد آمد.

خردورزی

تعقل‌گرایی در هر زمینه‌ای ضامن موفقیت و فتح قله‌های کمال است و در امور دینی بسیار ارزشمند بوده و بر هر عابدی واجب است، قبل از هر چیز عاقل باشد. پیشوای هشتم شیعیان جهان از ارزش تفکر این‌گونه سخن می‌گویند:

«لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ»؛

عبادت به نماز و روزه زیاد نیست؛ بلکه عبادت، زیاد اندیشیدن در امر

خداوند است (علامه مجلسی، ج ۷۸، ۱۴۰۴: ۳۳۵).

ارزش تفکر در شعر ابی‌العتاهیه این‌گونه یادآوری شده است:
لا یجهل الرشد من خاف الإله و من أمسى و همته، فی دینه، الفکر

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۱۸۰)

هرکس از خدا بترسد و در دینش اندیشه را با پشتکار همراه سازد، راه هدایت را گم نمی‌کند.

در حدیث امام‌رضا علیه‌السلام ارزش تفکر والاتر از نماز و روزه است و در شعر ابی‌العتاهیه نیز منحرف‌نشدن از راه راست مستوجب همراهی اندیشه با هر کاری است.

محاسبه نفس

امام رئوف علیه‌السلام در این باره فرمودند:

«من حاسب نفسه ریح و من عقل عنها حسیر»؛ کسی که نفسش را محاسبه کند، سود برده و کسی که از محاسبه نفس غافل بماند، زیان دیده است
(علامه مجلسی، ج ۷۸، ۱۴۰۴: ۳۵۲).

عواقب حسابرسی نکردن اعمال را ابی‌العتاهیه این‌گونه توصیف می‌کند:
من لم یحاسب نفسه فی أمورهِ یقع فی عظیم مُشکل، مُشابه
(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۴۶۳)

هرکس از حساب نفسش باز بماند، در مهلکه‌ای بزرگ و میهم واقع می‌شود.

در حدیث و شعر هر دو بزرگوار به حسابرسی اعمال تأکید شده است تا انسان گرفتار خسران و نابودی نشود.

دل‌نستن به دنیا و آرزوهای آن

امام هشتم در حدیثی شریف می‌فرماید:

«عَجِبْتُ لِمَنِ اخْتَبَرَ الدُّنْيَا وَ تَقَلَّبَهَا كَيْفَ يُطَمِّئُنُّ إِلَيْهَا»؛ در شگفتم که چگونه کسی که دنیا را آزموده و دگرگونی‌های آن را به چشم خود دیده است، باز به دنیا دل می‌بندد (علامه مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۰۴: ۴۵۰).

دنیانگیزی نیز از ویژگی‌های شعری شاعر عباسی، ابی‌العتاهیه است که او را در تاریخ ادبیات به نام شاعر زهد نامور کرده است.

إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ زَائِلٌ، فَاقْتَصِدْ فِيهِ، وَ خُذْ مِنْهُ وَ دَع

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۲۵۵)

دنیا کالایی فانی است پس در آن میانه‌رو باش و از آن بگیر و بعد رها کن.

یاد مرگ

امام رضا علیه السلام در پاسخی خردورزانه به پرسش فردی که از ایشان پرسید آقا در چه حالی هستید، نشان می‌دهند که در هیچ زمانی از یاد مرگ غافل نبوده‌اند.

ایشان در پاسخ به او فرمودند: *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

«أَصْبَحْتُ بِأَجَلٍ مَقْضٍ وَعَمَلٍ مَحْفُوظٍ وَالْمَوْتُ فِي رِقَابِنَا وَالنَّارُ مِنْ وَرَائِنَا
و لا تدری ما یفعل بنا»؛ عمر می‌گذرانم در حالی که عمرم روبه‌کاستی است و
اجلم نزدیک می‌شود، اعمالم ثبت می‌شود و مرگ هم برایمان حتمی و آتش
دوزخ در پیش رویمان است و نمی‌دانیم با ما چه خواهند کرد (علامه مجلسی،

ج ۷۸، ۱۴۰۴: ۳۳۹).

در ابیاتی فراوان از ابی‌العتاهیه نیز به حقیقت مرگ و ناپایداری دنیا اشاره

شده است.

لَا تَغْفُلْنَ، فَإِنَّكُمْ آجِلُكُمْ نَفْسٌ يَعْدُو

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۱۳۹)

غافل مباش؛ چراکه اجل‌های شما نفس‌هایی است که شمرده می‌شود.
در کلام امام هشتم به نزدیک‌بودن زمان مرگ اشاره شده است و در شعر
ابی‌العتاهیه نیز هر نفسی انسان را بیشتر به مرگ نزدیک می‌کند.

شوق شهادت

باتوجه به اینکه انسان در این دنیا ماندگار نخواهد بود و دیر یا زود، مرگ او را
درمی‌یابد، انسان عاقل ترجیح می‌دهد با شهادت به دیدار پروردگار خویش
نائل آید. پس شهادت‌طلبی یکی از نشانه‌های انسان فهیم است که جان
گرانمایه را در طبق اخلاص می‌گذارد و به صاحبش می‌سپارد. امام رضا علیه‌السلام
در نامه خود به مأمون نوشتند:

«الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ وَ مَنْ قَاتَلَ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ وَ رَحْلِهِ وَ نَفْسِهِ فَهَو
شَهِيدٌ»؛ جهاد همراه امام عادل واجب است و هرکس پیکار کند و در راه دفاع
از مال و ره توشه و جان خویش کشته شود، شهید است (علامه مجلسی،
ج ۱۰، ۱۴۰۴: ۲۲۶).

ابی‌العتاهیه نیز به این اصل در زندگی انسان اشاره می‌کند و می‌گوید:

فَخَيْرُ مِمَاتٍ قَتَلَةٌ فِي سَبِيلِهِ؛ وَ خَيْرُ الْمَعَاشِ، الْخَوْفُ مِنْهُ أَوْ الزُّهْدُ

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۱۲۹)

بهترین مرگ، مرگ در راه او (خداوند) است و بهترین زندگی، ترس از او یا
زهد است.

سکوت

در حدیثی از هشتمین معصوم این گونه آمده است:

«إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ، يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ، إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ»؛
همانا سکوت و خاموشی راهی از راه‌های حکمت است. سکوت موجب محبت
و علاقه می‌شود. سکوت راهنمایی برای کسب خوبی‌هاست (علامه مجلسی،
ج ۷۸، ۱۴۰۴: ۳۳۵).

ابی‌العتاهیه نیز در سخنی حکمت‌آمیز بر حفظ زبان ترغیب می‌کند:

إِخْرَجَ لِسَانَكَ بِالسُّكُوتِ عَنِ الْخَنِيِّ وَاحْدُزْ عَلَيْكَ عَوَاقِبَ الْأَقْوَالِ

(ابوالعتاهیه، ۱۹۸۶: ۳۳۰)

زیانت را با سکوت از حرف‌های ناپسند حفظ کن و از پیامدهای سخنان
برحذر باش.

در حدیث امام و اشعار ابی‌العتاهیه مراقبت از زبان سرچشمه خوبی‌هاست.
امام آن را وسیله‌ای برای ایجاد علاقه و محبت می‌دانند و ابی‌العتاهیه به مراقبت
از آن هشدار می‌دهد.

قناعت

یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی که زینده هر آزادمردی است، این است که به
قناعت مزین باشد و در برابر هیچ‌کس جز خداوند ابراز نیاز نکند. امام در
حدیثی گوه‌ربار از فواید قناعت سخن می‌گویند:

«الْقَنَاعَةُ تَجْمَعُ إِلَى صِيَانَةِ النَّفْسِ وَ عِزِّ الْقُدْرَةِ وَ طَرَحِ مَوْتَةِ الْأَسْتِكْنَارِ وَ التَّعَبُّدِ

لِأَهْلِ الدُّنْيَا»؛ قناعت نگهداری از نفس و عزت قدرت و دورافکندن هزینه

افزون طلبی و بندگی و خواری نزد اهل دنیا را جمع می‌آورد (علامه مجلسی،

ج ۹۳، ۱۴۰۴: ۳۴۹).

برهیز از آزمندی از موضوعاتی است که در شعر ابی‌العتاهیه نیز به آن پرداخته شده است.

مَنْ لَمْ يَكُنْ بِالْكَفَافِ مُقْتِنِعًا لَمْ تَكْفِهِ الْأَرْضُ كُلُّهَا دَهَبًا

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۳۷)

هرکس به اندازه کفاف قناعت نکند، اگر سراسر زمین پوشیده از طلا باشد، او را بس نیست.

امام رضا علیه السلام قناعت را باعث نگهبانی از نفس و عزت یافتن قدرت آدمی و دور شدن از زیاده‌خواهی و جلوگیری از خواری در نزد اهل دنیا می‌داند. از منظر شاعر عرب نیز کسی که قناعت ندارد، همیشه طمع‌کارانه در این دنیا زندگی می‌کند و از همه چیز ناخرسند است.

توجه به رزق حلال

امام رضا علیه السلام درباره اهمیت رزق حلال فرمودند:

«الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا مَا يَكْفِيهِ عِيَالُهُ، أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا»؛ هرکس روزی خانواده‌اش را از فضل خدا طلب می‌کند، پاداشی برتر از جهادگر در راه خدا دارد (الحرانی، ۱۴۲۳: ۳۲۸).

ابی‌العتاهیه نیز به پاک بودن درآمد انسان تأکید می‌کند و می‌گوید:

شَرَفُ الْفَتَى طَلَبُ الْكَفَا فِيعَفْوَةٍ فِى مَكْسَبِهِ

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۶۴)

شرافت انسان درخواست رزقی است که از راه پاک و عقیف به دست آمده است.

روزی حلال در کلام امام با پاداش جهادگر در راه خدا یکسان دانسته شده است و در شعر ابی العتاهیه نیز شرافت آدمی از این طریق به دست می آید.

شکیبایی

در فضیلت این صفت نیکو علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرمودند:

«ما ابتلی مؤمنٌ ببلیةٍ فصبرٌ علیها إلا کان له أجرٌ ألفِ شهیدٍ»؛ هر مؤمنی که به بلایی مبتلا شود و بر آن صبر کند، برایش پاداش هزار شهید است (عطاردی قوچانی، ج ۱، ۱۳۵۰: ۲۷۳) و «إِنَّ الصَّبْرَ عَلَى الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَأَفْضَلُ مِنْهُ عَلَى الْمُحَارَمِ»؛ شکیبایی بر بلا زیبا و پسندیده است؛ ولی برتر از آن صبر در برابر محرمات است (علی بن موسی، ج ۱، ۱۳۶۵: ۳۶۸).

شاعر عصر عباسی نیز به پایان کار صابران می پردازد و جایگاه ایشان را ترسیم می کند:

مَا أَزَيْنَ الْحِلْمَ لِأَصْحَابِهِ وَ غَايَةَ الْحِلْمِ تَمَامُ التَّقْوَى

(ابی العتاهیه، ۱۹۸۶: ۲۱)

چه زیبا زینتی است حلم و بردباری برای پیروانش و پایان آن پرهیزکاری است. در حدیث امام شخص صبرکننده اجر شهید دارد و بالاترین درجه صبر، صبر در برابر گناهان است و در شعر شاعر عرب به ثمره صبر که همان پرهیزکاری است، مژده داده شده است.

پرهیز از دروغ

راستی در اندیشه و گفتار و رفتار از نشانه های قلب سلیم بوده و نویدبخش جامعه ای مقتدر و متعالی است. گرچه رسیدن به این جامعه آرمانی بسیار

دشوار می‌نماید، بی‌تردید کلام بزرگان دینی و ادبی راهگشای همگان است. در حدیثی که امام‌رضا علیه‌السلام از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کردند، به‌صراحت به راست‌گویی مؤمن اشاره شده است:

عن ابی‌الحسن الرضا علیه‌السلام قال سئل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یكون المؤمنُ جباناً؟ قال: «نعم.» قیل وَ یكونُ بخیلًا؟ قال: «نعم.» قیل وَ یكونُ کذاباً؟ قال: «لا.» حضرت رضا علیه‌السلام می‌فرماید که از پیامبر پرسیدند، ممکن است مؤمن ترسو باشد؟ فرمود: «آری.» گفته‌شد ممکن است مؤمن بخیل باشد؟ فرمود: «آری.» گفته‌شد ممکن است مؤمن دروغگو باشد؟ فرمود: «نه.» (علامه مجلسی، ج ۷۲، ۱۴۰۴: ۲۶۲).

یکی از خطرهای دروغ، گسستگی جامعه است که شاعر عصر عباسی نیز به آن اشاره کرده است:

لا تَكْـذِـبْنَ، فَإِنَّهُ مَن يَجْتَمِعُ يَتَفَرَّقُ

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۲۸۹)

دروغ نگو؛ چراکه دروغ هر جمعیتی را متفرق می‌سازد.

در حدیث امام‌رضا علیه‌السلام و شعر ابی‌العتاهیه به دو نمونه از پیامدهای دروغ‌گویی اشاره شده است. در حدیث امام این صفت، مؤمن را از ایمان خارج می‌کند و در شعر ابی‌العتاهیه باعث جدایی افراد از یکدیگر می‌شود.

اخلاق اجتماعی

در این دسته حقوق مردم یا به‌عبارت‌بهرتر «حق الناس» قرار می‌گیرد:



خوش خلقی

یکی از صفات بسیار مهم مؤمن که در قرآن و روایت‌های معصومان علیهم‌السلام به آن توجه ویژه‌ای شده است، خوی پسندیده است. امام مهربان ما در این باره می‌فرماید:

«مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خَلَّافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ»؛ کسی که فقیر مسلمانی را ببیند و برخلاف سلام‌کردنش به ثروتمندان به او سلام کند، در روز قیامت در حالی خدا را دیدار می‌کند که خداوند بر او خشمگین است (صدوق، ج ۲، ۱۳۷۸: ۵۷).

شاعر عصر عباسی نیز بر خوش رفتاری تأکید می‌کند و می‌گوید:
عامل الناس برأى رفیق، وألق من تلقى بوجه طليق

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۲۸۵)

با مردم دوستانه رفتار کن و با هرکس که می‌بینی با رویی گشاده دیدار کن. خوش خلقی و گشاده‌رویی یکی از خصلت‌های بسیار مهم مسلمان است که از نظر امام‌رضا علیه‌السلام، حتی در برخورد با نیازمندان جامعه نیز باید به آن توجه شود. ابی‌العتاهیه نیز بر عام‌بودن آن تأکید می‌کند.

نیکی به مردم

امام‌رضا علیه‌السلام در اهمیت نیکی به خویشاوندان این‌گونه فرمودند:
«صِلْ رَجْمَكَ وَكُوْ بَشْرَتِهِ مِنَ الْمَاءِ وَأَفْضَلُ مَا تُوَصَّلُ بِهِ الرَّجْمُ كَفِّ الْأَذَى»؛ پیوند خویشاوندی را برقرار کنید؛ گرچه با جرعه‌آبی باشد و بهترین پیوند خویشاوندی، خودداری از آزار خویشاوندان است (الحرانی، ۱۴۲۳: ۳۲۷).

ابی‌العتاهیه نیز این‌گونه می‌سراید:

و إذا اتسعتُ برزق ربِّك فاجعلنُ منه الأجلَّ لأوجه الصدقاتِ

ففى الأقربین، و فى الأبعاد تارة إنَّ الزکاة قرینةُ الصلوات

(ابى العتاهیه، ۱۹۸۶: ۷۹)

هرگاه پروردگارت روزی تو را افزون ساخت، مقداری از آن را به عنوان صدقه، گاهی برای خویشاوندان و گاهی برای بیگانگان قرار ده که همانا زکات همراه و همنشین نمازهاست.

حضرت رضاع علیه السلام در ضمن حدیثی نورانی به نیکی به ناهلان نیز تشویق می‌کنند و می‌فرمایند:

«اصطنع الخیرِ إلى أهله و إلى من هو غیر أهله فان لم تُصب من هو أهله فانت أهله»؛ خیر و خوبی را نسبت به هر اهل و ناهلی روا دار. اگر کسی شایسته آن بود که بود و اگر نبود، تو خود لایق و سزاوار آنی (علامه مجلسی، ج ۷۴، ۱۴۰۴: ۴۰۹).

ابى العتاهیه نیز در راستای این حدیث رضوی می‌گوید:
کم من أخ لی خانئى وُدّه و ما تبدّلت، و ما حُثّ

(ابى العتاهیه، ۱۹۸۶: ۹۵)

چه بسا دوست و برادری که در دوستی اش به من خیانت کرد؛ ولی من تغییر نکردم و به او خیانت ننمودم.

در حدیث امام رضاع علیه السلام و شعر ابی العتاهیه به اصل نیکی و مدارای با مردم، به عنوان معیاری برای عقل و دوراندیشی اشاره شده است. حتی محبت کردن در حق ناهلان چیزی از ارزش و اعتبار آدمی نمی‌کاهد؛ چراکه خداوند خود، پاداش دهنده آن نیکی خواهد بود و اینکه در نیکی به خویشاوندان نسبت به افراد بیگانه باید پیش قدم و پیشتاز بود.

حق طلبی و دفاع از ستمدیدگان

امام رضا علیه السلام، همواره مدافع مظلومان و ستمدیدگان جامعه بودند و در مبارزه با طاغوت از هیچ قدرتی واهمه نداشتند. همان گونه که در ترسیم حکومت ظالمانه فرمودند:

«إِذَا كَذَبَ الْوَلَاةُ حُبِسَ الْمَطْرُ وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ وَإِذَا حُبِسَتْ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي»؛ هرگاه زمامداران دروغ بگویند، خشکسالی می شود. هرگاه حاکم ستم کند، حکومت سست می شود و هرگاه زکات نپردازند، چهارپایان می میرند (علامه مجلسی، ج ۹۳، ۱۴: ۱۴۰۴).

ایشان در حدیثی دیگر سرنوشت ظالم را این گونه به تصویر می کشند:

«وَأَوَّلُ مَنْ يُدْخِلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ كَمْ يَعْدِلُ وَذُو ثِرْوَةٍ مِنَ الْمَالِ كَمْ يَعْطِي الْمَالَ حَقَّهُ»؛ نخستین کسی که داخل دوزخ می شود، حاکمی است که دادگر نبوده و ثروتمندی است که حق مال را ادا نکرده، [یعنی حقوق مالی را نپرداخته است] (صدوق، ج ۲، ۱۳۷۸: ۳۱).

ابی العتاهیه نیز از سرنوشت ظالمان بیمناک است و این گونه هشدار می دهد:

إِشْتَدَّ بَغْيُ النَّاسِ فِي الْأَرْضِ وَغُلُوُّ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ
دَغْهَمٌ وَمَاخْتَارُوا لِأَنْفُسِهِمْ فَاللَّهُ بَيْنَ عِبَادِهِ يَقْضِي

(ابی العتاهیه، ۱۹۸۶: ۲۳۹)

تجاوز و تعدی مردم در زمین شدت یافت و به همین دلیل بعضی از آنان بر دیگران جایگاهی والا یافتند. آن ها و آنچه برای خود برگزیدند را رها کن؛ چراکه پروردگار بین بندگان قضاوت می کند.

از منظر امام معصوم سپردن حکومت به افراد ستمگر عاقبتی جبران ناپذیر برجای می گذارد که باید به شدت نسبت به آن حساس بود. همچنین، حاکم

ستمگر نخستین کسی است که داخل در دوزخ می‌شود. ابی‌العتاهیه نیز حاکمیت ستمگران را ناشی از رقابتی ناعادلانه بین مردم می‌داند و از مردم می‌خواهد که حسرت احوال و اوضاع آنان را نخورند و خداوند خود بین آنها داوری می‌کند.

خردورزی در برخورد با دوستان و دشمنان

نوع رفتار با گروه‌های گوناگون مردم، نشان‌دهنده میزان عقل آدمی است. روزی از امام‌رضا علیه السلام درباره عقل سؤال شد و ایشان در پاسخ فرمودند:

«التَّجَرُّعُ لِلْغَصَّةِ وَ مَدَاهِنَةُ الْأَعْدَاءِ وَ مُدَارَاةُ الْأَصْدِقَاءِ»؛ تحمل مشکلات و ناملایمات و زیر نظر داشتن دشمنان و مدارا با دوستان (مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۰۴: ۳۹۴). امام مؤمنان را به سیاستی کلی در برخورد با دوستان و دشمنان فرامی‌خواند و آن از این قرار است: «أَحِبِّ حَبِيبِكَ هَوْنًا مَا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَابِغِيضِ بَغِيضِكَ هَوْنًا مَا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبِكَ يَوْمًا مَا»؛ در دوستی اعتدال را نگه‌دار؛ زیرا ممکن است روزی، دوستت با تو از در دشمنی درآید و در دشمنی با دشمنت نیز از حد مگذرد؛ زیرا ممکن است زمانی با تو دوست شود (همان، ج ۱۲: ۱۴۷).

ابی‌العتاهیه نیز در این باره به مخاطب خویش پیام دوستی و مهربانی می‌دهد و می‌گوید:

تَنْحَ عَنِ الْقَبِيحِ وَ لَا تَرُدَّهُ وَ مَنْ أَوْلَيْتَهُ خَيْرًا فَزِدْهُ
سَتَلْقَى مِنْ عَدُوكَ كُلَّ كَيْدٍ إِذَا كَادَ الْعَدُوُّ وَ لَمْ تَكُدْهُ

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۱۵۳)

از کار زشت بر حذر باش و به آن پاسخ نده و هرکس به تو نیکی کرد بر او بیشتر خوبی کن. از دشمنت هر حيله‌ای را خواهی دید؛ ولی تو نسبت به او مکر نکن.

دقت در انتخاب دوست از اصول تأکید شده در فرهنگ ناب اسلامی است؛ چراکه انسان تحت تأثیر هم‌نشین خویش است. امام‌رضا علیه السلام در این باره هشدار می‌دهند و می‌فرمایند:

«مُجَالِسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ»؛ هم‌نشینی با بدکاران، باعث

بدبینی نسبت به خوبان می‌شود (علامه مجلسی، ج ۷۴، ۱۴۰۴: ۱۹۷).

شاعر عرب نیز از هم‌نشینی با دوستان بد زنهار می‌دهد و در تشبیهی زیبا این‌گونه می‌سراید:

ضَلُّ قَرِينِ السُّوءِ لِلْقَرِينِ كَمِثْلِ ضَلِّحِ اللَّحْمِ وَالسَّكِينِ

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۴۹۵)

هم‌نشینی و سازش با بد سیرتان برای انسان مانند هم‌نشینی و سازش گوشت و چاقو است.

آنچه از مطالعه در روایت‌ها و شعرها به دست می‌آید، رعایت اصل اعتدال در دوستی، مدارا با دوستان، دوری از هم‌نشین بد و فراموش کردن خطاهای دوستان است.

پرهیز از غرور و تکبر

یکی از کیدهای بسیار مهم شیطان برای سرنگونی انسان نیکوکار، ایجاد غرور و تکبر در وی به دلیل انجام کارهای نیک است و این نکته ظریفی است که امام‌رضا علیه السلام نیز به اهل ایمان یادآوری کرده‌اند:

«الْعُجْبُ دَرَجَاتٌ: مِنْهَا أَنْ يَزِينَ لِلْعَبْدِ سَوَاءَ عَمَلِهِ فَيَرَاهُ حُسْنًا فَيَعْجِبُهُ وَ يَحْسَبُ أَنَّهُ يَحْسِنُ صُنْعًا وَ مِنْهَا أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ فَيُؤْمِنَ عَلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ الْغَنِيُّ عَلَيْهِ فِيهِ»؛ خودپسندی و خودبینی مراتبی دارد: یکی اینکه آدمی کار بد خود را خوب و زیبا جلوه می‌دهد و خیال می‌کند کارش درست است؛ دیگر اینکه آدمی بر ایمانش به خدا منت بگذارد درحالی‌که خداوند بر او منت دارد؛ [چراکه به او توفیق ایمان داده است] (علامه مجلسی، ج ۷۳، ۱۴۰۴: ۳۱۰).

شاعر عرب‌زبان نیز در سراسر دیوان خود، انسان‌ها را از این کید شیطان برحذر می‌دارد و گاه‌وبیگاه ضعف انسان را در برابر خالقش به تصویر می‌کشد و می‌گوید:

يَغْرُ الْفَتَى تَحْرِيكُهُ وَ سَكُونُهُ، وَ لَا يَدَّ يَوْمًا تَسْكُنَ الْحَرَكَاتِ

(ابی‌الغنائیه، ۱۹۸۶: ۸۷)

حرکت و سکون انسان او را مغرور می‌کند؛ ولی به‌ناچار روزی حرکت‌ها ساکن می‌شوند.

أَيَّامِنَ قَدْ تَهَاوَنَ بِالْمَنِيَا وَ مَنْ قَدْ غَرَّهُ الْأَمَلُ الطَّوِيلَ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الدُّنْيَا غُرُورٌ مِثْلُ الْغُرُورِ وَ أَنَّ مُقَامَنَا فِيهَا قَلِيلٌ

(همان: ۳۳۲)

ای کسی که مرگ‌ها را سبک می‌شمرد و ای کسی که آرزوی طولانی، او را فریفته است، آیا ندیدی که دنیا سراسر فریبکاری و اقامت ما در آن کوتاه است؟

امام‌رضا علیه‌السلام در حدیثی درجه‌های غرور را برشمرده‌اند. آنجا که از آدمی کاری ناشایست سر می‌زند، غرور مانع از بازگشت او می‌شود و آن‌جا که

عبادت خداوند می‌کند، فریفته این اعمال شده و بر خود می‌بالد. ابی‌العتاهیه نیز در شعرش زیبایی و مقبولیت اعمال را مختص به خداوند دانسته و از انسان خواسته است که همواره مرگ را پیش روی خود ببیند و به نعمت‌های دنیا خوش بین نباشد.

سخاوت و بزرگواری

سخاوتمندی یکی از ارزش‌های اخلاقی است که آیات قرآن و روایات به آن پرداخته‌اند. درحقیقت، سخاوتمندی زداپنده یکی از آفت‌های بسیار مهم و زیان‌بار اجتماعی، یعنی تنگ‌دستی است. امام‌رضاء علیه‌السلام می‌فرمایند:

«السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بَعْضَ مِنْهَا أَدَّتْهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْبُخْلُ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بَعْضَ مِنْ أَغْصَانِهَا أَدَّتْهُ إِلَى النَّارِ»؛ سخاوت درختی است در بهشت که شاخه‌هایش در دنیا است؛ پس هرکس به شاخه‌ای از آن درآویزد، به بهشت می‌رود و بخل درختی است در آتش که شاخه‌هایش در دنیا است؛ پس هرکس به شاخه‌ای از آن بیاویزد، به جهنم می‌رود (النوری، ج ۷، ۱۳۶۶: ۱۴).

ابی‌العتاهیه نیز از مال به عنوان اندوخته آخرت یاد می‌کند:
إِذَا إِزْدَدْتَ مَالًا قَلَّتْ مَالِي وَ ثُرُوتِي وَ مَالِكَ إِلَّا اللَّهَ وَ الْحَسَنَاتِ

(ابی‌التاهیه، ۱۹۸۶: ۸۷)

هرگاه مالی بر دارایی‌ات افزودی، گفتی که این ثروت و مال من است؛ درحالی‌که هیچ چیز جز خداوند و کارهای نیک برای تو پایدار نمی‌ماند.

امام کریم از همگان می‌خواهد در بخشش دستی‌گشوده و قلبی وسیع داشته باشند:

«إِحْرَاصُوا عَلَيَّ قَضَاءِ حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَيْهِمْ وَ دَفْعِ الْمَكْرُوهِ عَنْهُمْ فَإِنَّهُ كَيْسٌ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ بَعْدَ الْإِيْمَانِ أَفْضَلُ مِنْ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ حریصانه به دنبال برآوردن نیاز نیازمندان باشید. هیچ عملی بعد از واجبات، برتر از شادکردن مسلمان نیست (علامه مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۰۴: ۳۴۷).

در راستای حدیث مذکور ابی العتاهیه نیز کمک به خلق را مایه گشایش کارها می داند و می گوید:

وَاقْضِ الْحَوَائِجَ مَا اسْتَطَعْتَ وَ كُنْ لَهُمْ أَخِيكَ فَارْجُ
فَلْخَيْرُ أَيَّامِ الْفِتْنَى يَوْمٌ قَضَى فِيهِ الْحَوَائِجُ

(ابی التاهیه، ۱۹۸۶: ۱۱۰)

هر آنچه در توان داشتی نیازها را برآورده و اندوه برادرت را برطرف ساز. پس برترین روزهای انسان روزی است که در آن نیازها را برآورده می کند. امام رضا علیه السلام به اصل بخشش تأکید و از سخاوت به عنوان درختی در بهشت یاد می کنند. همچنین، حضرت از شادکردن دل مؤمن، به عنوان کاری مفید یاد می کند که بعد از انجام واجبات، هیچ چیز در پیشگاه خداوند، زیباتر و بهتر از آن نیست. ابی العتاهیه نیز از پیامدهای دنیایی و آخرتی بخشش سخن می گوید. وی از بقای مال بخشیده شده سخن می گوید و مخاطبینش را به برآوردن نیازهای دیگران تشویق می کند؛ چراکه او بهترین روز انسان را چنین روزی می داند.

رازداری

یکی از صفتهای نکوهیده افشای اسرار است که امام علی ابن موسی علیه السلام در این باره می فرماید:



عَلَيْكُمْ فِي أُمُورِكُمْ بِالْكَثْمَانِ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا فَإِنَّهُ رُوِيَ « أَنْ الإِذَاعَةَ كَفْرًا » وَرُوِيَ « الْمُدْبِيعُ وَالْقَاتِلُ شَرِيكَانِ » وَرُوِيَ « مَا تَكْتُمُهُ مِنْ عُدُوِّكَ فَلَا يَقِفُ عَلَيْهِ وَليِكَ »؛ بر شما باد به رازپوشی در کارهای دین و دنیایتان، روایت شده است که «افشاگری کفر است» و «کسی که آسرار را برملا می‌کند، با قاتل شریک است» و «هرچه از دشمن پنهان می‌کنی، دوست تو هم نباید بر آن آگاهی یابد (علامه مجلسی، ج ۷۸، ۱۴۰۴: ۳۴۷).

ابی‌العتاهیه نیز مخاطب خود را ملزم به رعایت این خوی نیک می‌کند و می‌گوید:
 أَمْئِي تَخَافُ إِتْشَارَ الْحَدِيثِ وَحَظِّي، فِي صَوْنِهِ أَوْفَرُ
 وَ لَوْلَمْ يَكُنْ فِيهِ مَعْنَى عَلِيكَ نَظَرْتُ لِنَفْسِي كَمَا تَنْظُرُ
 (ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۱۶۸)

آیا از من در انتشار سخن بیم داری و پرهیز می‌کنی؛ درحالی‌که سعادت و بهره‌من در نگهداری سخن کامل‌تر و بهتر است و اگر برای تو معنایی در آن [نگهبانی] نباشد، از نفس خودم مراقبت می‌کنم؛ همان‌طور که تو مراقبت می‌کنی. در حدیث امام رئوف از صاحب راز، رازپوشی خواسته شده است و از آن که افشای راز دیگری می‌کند، با عنوان مجرم‌ترین افراد، یعنی قاتلان یاد شده است، شاید به این دلیل است که افشاکننده راز، کشنده آبروی دیگری است. ابی‌العتاهیه نفس خود را ملزم به رازداری و رازپوشی می‌کند و به اطرافیانش اطمینان می‌دهد که از نفس خویش مراقبت می‌کند.

مؤدب بودن

هرچه خرد انسان افزون شود بر ادب او نیز افزوده می‌شود. پیشوای هشتم شیعیان جهان علیه السلام از عقل به عنوان هدیه‌ای الهی نام می‌برند و می‌فرمایند:

«الْعَقْلُ حِبَاءٌ مِنَ اللَّهِ وَالْأَدَبُ كَلْفَةٌ فَمَنْ تَكَلَّفَ الْأَدَبَ قَدَرَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ بِذَلِكَ إِلَّا جَهْلًا»؛ عقل بخششی است از جانب خدا و ادب داشتن، تحمل سختی است و هرکس با زحمت ادب را نگهدارد، بر آن قادر می‌شود؛ اما هرکس به زحمت بخواهد عقل را به دست آورد، جز بر جهل او افزوده نمی‌شود (علامه مجلسی، ج ۷۸، ۱۴۰۴: ۳۵۵).

ابی‌العتاهیه نیز ادب را زینتی برای انسان می‌شمرد و می‌گوید:
حِلْمٌ الْفَتَى مِمَّا يَزِينُهُ وَ تَمَامٌ حَلِيَّةٍ فَضْلُهُ أَدْبُهُ

(ابی‌العتاهیه، ۱۹۸۶: ۶۱)

آنچه به انسان زینت می‌بخشد، بردباری اوست و ادب زینت تمامی فضیلت‌های او است.

در حدیث رضوی و در شعر ابی‌العتاهیه عقل و ادب ملازم یکدیگرند و از پیوند گوهر عقل و ادب، انسان کامل پدید می‌آید.

عفو و گذشت داشتن

حضرت ثامن الحجج علیه السلام در این باره فرمودند: طاعات فریضی
«مَا التَّقَاتُ فِتْنَانِ قَطُّ إِلَّا تُصَيِّرُ أَكْبَرَهُمَا عَفْوًا»؛ هرگز دو گروه باهم روبه‌رو نمی‌شوند، مگر اینکه پیروزی با گروهی است که بخشش بیشتری داشته باشد (علامه مجلسی، ج ۷۱، ۱۴۰۴: ۴۰۲).

در حدیثی دیگر، حضرت برای عفو مطلوب شرطی تعیین می‌کنند و می‌فرمایند:

«الصفحُ الجمیل: العفو من غیر عتاب»؛ عفو زمانی پسندیده است که با سرزنش و ملامت همراه نباشد (صدوق، ج ۱، ۱۳۷۸: ۲۹۴).



ابی العتاهیه نیز آدمی را به تقویت روحیه عذرپذیری دعوت می‌کند و می‌گوید:

عشٌ وحیداً، إن كنت لا تقبل العذرَ وإن كنت لا تجاوز زلّة

(ابی العتاهیه، ۱۹۸۶: ۳۷۴)

اگر عذرپذیر نیستی و اگر از گناه و لغزش دیگران چشم‌پوشی نمی‌کنی،
تنها زندگی کن.

در حدیث امام‌رضا علیه السلام نگذشتن و نبخشودن همراه با شکست است و
گذشتی ستودنی است که با نکوهش همراه نباشد. شاعر عرب انزوا و تنهایی را
بر فرد عذرناپذیر تحمیل می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

در احادیث امام رضا علیه السلام و اشعار شاعر عرب، ابی العتاهیه، به همه آنچه از مؤمن حقیقی انتظار می‌رود، کمابیش اشاره شده است و بی‌شک روایت‌های رضوی بسیار جامع‌تر از شعرهای شاعر عصر عباسی است. آنچه در این میان اهمیت دارد، اشاره به محتوای مشترکی است که مد نظر عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و شاعر حکیم عصر عباسی است. امام ویژگی‌های انسان کامل را به مقدس‌ترین و زیباترین وجه به تصویر می‌کشد تا اعجاز اسلام در نهادینه کردن آداب مسلمانی در وجود پیروانش، دیگر بار بر همگان اثبات شود. بارزترین ویژگی‌های اخلاقی که در قالب اخلاق الهی و فردی و اجتماعی به آن اشاره شد، عبارت‌اند از: رضایت به تقدیر الهی، توکل به خداوند، شکیبایی، پرهیز از تکبر، خوش‌حُلقی، سخاوت، گذشت داشتن و... که بی‌شک به‌کار بستن آن‌ها گره از بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی می‌گشاید و ضامن نیک‌بختی افراد آن است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابی العتاهیه، ۱۹۸۶، دیوان، بیروت: دار بیروت.
۲. حرانی ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۴۲۳، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۷، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۳۷۸، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، قم: انتشارات شریف رضی.
۴. عطار دی قوجانی، عزیز الله، ۱۳۵۰، مسند الإمام رضا، بیروت: دارالصفوة.
۵. علامه مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۶. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، ۱۳۶۵، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۷. النوری الطبرسی، حسین بن محمد تقی، ۱۳۶۶، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۸. کرمانی، شیخ الرئیس محمد، ۱۳۸۸، شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی، تهران: اطلاعات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی